

بیانیه سازمان سوسیالیستهای ایران
در باره حکم اعدام دکتر آقاجری
و اتهامات وارده به کارکنان مؤسسه پژوهشی آینده
و در باره " تهدید " مقام رهبری برای آوردن " مردم " به صحنه

برای لغو قانون اعدام و شکنجه جسمی و روانی متحداً مبارزه کنیم !

" با بهانه های بی اساس به دانشگاه ها حمله می کنند و جوانان ارجمند را از دانشگاه به زندان و سرباز خانه می کشانند. حوادث اخیر دانشگاه های ایران و یورش وحشیانه و بی رحمانه دستگاه جبار به دانشجویان سخت ما را متأسف ساخت. این روش روشی غیر انسانی نمونه دیگری از نقشه های استعمارگران برای سرکوبی دانشگاه ها و دانشجویان می باشد. من این اعمال چنگیزی و قرون وسطائی را شدیداً تقبیح می کنم و اطمینان دارم که دانشجویان غیور وطن خواه هرگز عقب نشینی نکرده تسلیم نخواهند شد."

آیت الله العظمی خمینی

ما در اینجا به نقل قولی از گفتار آیت الله العظمی خمینی اقدام کردیم. چون بر این نظریه که عملکرد جناح اقتدارگرای جمهوری اسلامی نسبت به نیروهای دگر اندیش و مخالفین خود، همچون رژیم ستم شاهی، " اعمال چنگیزی و قرون وسطائی " است. اگر چنین نیست، بد نیست مبلغین جناح اقتدارگرا توضیح دهند، " اعمال چنگیزی و قرون وسطائی "، با خود چه معنا و مفهومی دارد که فقط شامل حال رژیم شاه می شده است؟

قاضی رضائی با صلاح دید قاضی سلیمی، دکتر سید هاشم آقاجری استاد دانشگاه تربیت معلم و عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را با این ادعا که گویا وی در سخنرانی ای که در بزرگداشت سالگرد دکتر علی شریعتی در خانه معلمین شهر همدان ایراد کرده است، به دین اسلام و پیامبر مسلمانان توهین نموده است، محکوم به اعدام کرد.

دکتر آقاجری در سخنرانی خود به نقل از نظرات دکتر علی شریعتی، روحانیت شیعه در ایران را به سه جناح فکری (اقتدارگرا، سنتگرا، اصلاح طلب و مردم سالار) تقسیم کرده بود و در باره خصوصیات و هویت هر یک از این جناح ها مطالبی را بیان می دارد.
عده ای ارادل و اوباش وابسته به مافیای قدرت و ثروت طبق سنت همیشگی شان، جلسه سخنرانی دکتر سید هاشم آقاجری را مختل کردند و اجازه ندادند تا ایشان گفتار خود را به پایان برساند.

قاضی رضائی در حکمی که با صلاح دید قاضی سلیمی علیه دکتر آقاجری صادر کرده است، روشن ننموده، طبق کدام یک از اصول قانون اساسی بیان این واقعیت که " روحانیت شیعه " در ایران در رابطه با مسائل سیاسی، اجتماعی، چگونگی امر حاکمیت و مسئله قدرت ... یکسان نمی اندیشند و نظرات متفاوتی دارند، جرم می باشد؟

چرا و به چه دلیل بیان نظرات و عقایدی مبنی بر این که بخشی از روحانیت اقتدارگرا، بخشی سنتگرا و بخشی اصلاح طلب و مردم سالار می باشد، توهین به اسلام و پیامبر مسلمانان می باشد؟ آنهم در کشوری که حاکمین اقتدارگرا و قانون شکن، با بپا کردن دادگاه غیر قانونی بنام " دادگاه ویژه روحانیت " برای رسیدگی به جرائم "روحانیون"، و در حقیقت "خفه کردن" مخالفین روحانی خود، بروشنی بر چندگانگی بودن روحانیت و همچنین ماهیت تمامیت خواهی خود تاکید کرده اند!

امروز در ایران، بیش از ۸۰ درصد از مردم ایران در رابطه با " ماهیت و هویت " روحانیت همچون دکترسید آقاجری می اندیشند و حتی بخشی از روحانیت دولتی را نه تنها " اقتدارگرا " ، بلکه بخشی از مافیای قدرت و ثروت می دانند .

روشن نیست قاضی داگاه همدان با توجه به کدام اصول و قوانین جمهوری اسلامی چنین حکمی را صادر کرده است و این حضرت باین نتیجه رسیده است که هر نوع اعلام موضع انتقادی و یا مخالفت با عملکرد و نظرات "روحانیت" ، آنهم " روحانیتی " که اکثر نهادهای دولتی ، اقتصادی و در واقع قدرت اصلی دولتی را در ایران قبضه کرده است ، توهین به اسلام و پیامبر مسلمانان می باشد ؟ البته از سوی بعضی از "روحانیون دولتی" ، مطالبی در رابطه با " قداست روحانیت " و همطراز بودن آنان با پیامبر و امامان بیان شده است . ازجمله :

آیت الله مشکینی ، آیت الله سید علی خامنه ای را هم ردیف پیامبر اسلام تلقی کرده و فرموده اند " ولی فقیه حامل فره ایزدی و منصوب از سوی خداست " و جناب محی الدین شیرازی نماینده ولی فقیه در فارس بیان داشته اند "شورای نگهبان و ناظران این شورا از طریق رهبری به سرچشمه وحی متصل هستند " . علاوه بر این ، این آقا بر این نظرند که "همانطور که خدا می فرماید تکذیب پیامبر ، تکذیب خداوند است ، تکذیب شورای نگهبان و ناظران این شورا نیز تکذیب رهبر و خداوند است " .

این سؤال مطرح است که آیا قاضی دادگاه دکتر آقاجری ، نظرات و عقاید افرادی همچون آیت الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان ، و گفتار عناصری همچون آقای محی الدین شیرازی نماینده ولی فقیه در فارس و امام جمعه شیراز را بعنوان " معیار " سنجش برای نظرات و عقاید دکتر سیدهاشم آقاجری در تأیید و یا توهین به اسلام و پیامبر اسلام ، قرار داده است ؟ اگر در حقیقت پایه عملکرد این قاضی چنین باشد - که متأسفانه هست - . آیا نباید قبل از اینکه چنین طرزتفکری - که صد در صد با روح و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی در تضاد هست - ، بعنوان معیار سنجش قضاوت در جمهوری اسلامی قرار داده شود ، حد اقل بخاطر حفظ ظاهر قضیه هم که شده باشد ، همچون گذشته در مرحله اول این نظرات و عقاید را به بخشی از قوانین جمهوری اسلامی تبدیل می کردند؟

سازمان سوسیالیستهای ایران بر این نظر است که بخشی از قضاوت قوه قضائیه نه بر پایه قوانین موجود ، بلکه بر مبنی دستور و فرمان سیاسی عمل میکنند و در واقع قضاوت آنها ، قضاوتی است کاملاً سیاسی و نه حقوقی . در حقیقت رفتار و کردار این جماعت سیاسی بوده و در خدمت منافع جناح مشخصی از هیئت حاکمه قرار دارد . همان جناحی که بخاطر اعمال و کردارش از سوی اکثریت بزرگی از مردم مسلمان ایران مطرود شناخته شده اند .

متأسفانه آیت الله سید علی خامنه ای ، مقام رهبری جمهوری اسلامی در بوجود آمدن چنین وضعیت اسف انگیز و ناهنجاری که بر قوه قضائیه و جامعه ایران در کل حاکم شده است ، بی تقصیر نیستند . روشن نیست که چرا این حضرت به افرادی که دستمالهای ابریشمی بدست گرفته اند و مقام رهبری جمهوری اسلامی را با مقام پیامبر مسلمین هم سطح تلقی کرده اند ، نمی فرمایند هیچ کس ، حتی افراد وابسته به "روحانیت" حق ندارد بخاطر احترام گذاشتن به مقام رهبری جمهوری اسلامی و منصوبین ایشان ، این مقام و منصوبین ایشان را هم ردیف مقام پیامبر مسلمانان و امامان تلقی کنند !

آیا در حقیقت بزرگترین جرم و گناه دکتر سید هاشم آقاجری در این واقعیت نهفته نیست که چون وی حاضر نشده است تا با نظرات و عقاید آقابانی همچون مشکینی و محی الدین شیرازی همسو و همصدا شود ، عقاید و نظرات وی توهین به اسلام و پیامبر مسلمانان تلقی شده است؟

دستگیری افرادی همچون بهروز گرانپایه ، مهندس عباس عبدی ، دکتر حسین قاضیان ... و حمله به موسسه پژوهشی نظرسنجی آینده و اخیراً حکم اعدام دکترسید هاشم آقاجری توسط قاضی مربوطه ، توطئه های زنجیره ای هستند که از سوی جناح تمامیت خواه ، بخاطر نا آرام کردن جو سیاسی کشور و ایجاد " حالت

فوق العاده و جنگی " در دستور کار قرار گرفته شده است . توطئه گران وابسته به جناح تمامیت خواه قصد دارند تا از این طریق بتوانند " وضعیت و حالت فوق العاده ای " بر جامعه تحمیل کنند که از آن طریق شاید بتوانند جلوی تصویب لوایح دولت خاتمی را بگیرند .

اگر چه به محتوی این لوایح ، بخصوص آن بخش که بجای التزام اجرائی به قانون اساسی صحبت از اعتقاد به ولایت فقیه می نماید - امری که در تضاد با برخی از اصول قانون اساسی قرار دارد و عملاً به نقض عقاید صحه می گذارد - ، انتقاد وارد است . با وجود آن ، چون این لوایح از سوئی خط بطلانی بر اختیارات متضاد با روح و اصول قانون اساسی که ۱۲ نفر عضو شورای نگهبان که تا کنون برای خود قائل شده و در این رابطه بجای ملت تعیین و تکلیف کرده اند ، می کشد و از سوی دیگر این لوایح می تواند جلوی برخی از سوء استفاده ها و خود سری های افرادی همچون قاضی مرتضوی ، قاضی سلیمی، قاضی رمضانی ، ... را بگیرد ، و اجازه ندهد تا چنین افرادی تحت عنوان " استقلال قوه قضائیه " از دو قوه مقننه و مجریه ، به توجیه عملکردهای خلاف قانونی خود ادامه دهند . در واقع تصویب این لوایح تا اندازه ای کمک خواهند کرد تا تمام مسئولین و دست اندر کاران امور حکومتی ، با توجه به حفظ استقلال قوه قضائیه و تاکید بر امر تفکیک قوا ، خود را موظف به عملکرد در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی بدانند، امری که گامی مثبت در جهت تحقق عملکرد های قانونی در نظام جمهوری اسلامی خواهد بود.

طرفداران واقعی حاکمیت قانون با توجه به تمام کمبود ها و اشکالاتی که این لوایح با خود بهمراه دارند ، نمی توانند و نباید نسبت به سرنوشت این لوایح بی تفاوت باشند ! تصویب این لوایح گامی هر چند کوچک ، ولی مثبت در جهت تحقق حاکمیت قانون در ایران می باشد .

مقام رهبری جمهوری اسلامی، آیت الله خامنه ای بجای اینکه از قوه قضائیه خواستار شود که قضات و کارمندان آن قوه ، موظف باشند که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی عمل کنند ، می فرماید مرا مجبور نکنید که نیروی مردم را برای مواجهه با مشکلات وارد میدان کنم . اما حضرت آیت الله نمی فرماید کدام " نیروی مردم " را ؟

مگر مردم ایران در چندین و چند انتخابات موضع و نظرات خود را نسبت به عملکردهای جناح های مختلف هیئت حاکمه در پای صندوق های انتخابات ، اعلام نکرده اند ؟

اگر واقعاً هدف مقام رهبری ، نظر خواهی و کمک از مردم ایران برای پاسخ گفتن به مشکلات است و نه خدای نکرده ، آزاد گذاشتن چماقداران ، لباس شخصی ها، و قاتلین قتلهای زنجیره ای و ارادل اوپاش چپاولگر و دست زدن به کودتای شبیه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه منافع ملت ایران ، می توان از طریق قانونی به فرزندوم و همه پرسى مراجعه کرد و دقیقاً جواب سوالات زیر را از مردم خواستار شد.

۱- آیا مردم با نهادی بنام ولایت فقیه و اختیاراتی که این مقام طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی دارد ، توافق دارند یا نه ؟

۲- آیا مردم طرفدار دخالت بنیادهای دینی (روحانیت و حوزه ها) در امور بنیاد دولتی هستند و یا همچون نظرات امام خمینی در اوائل انقلاب خواستار عدم دخالت بنیادهای دینی در بنیاد های دولتی هستند ؟

۳- آیا مقام ولایت مطلقه فقیه موظف است در چارچوب قانون اساسی عمل کند و یا آن حضرت حق دارند برای خود اختیارات و حقوق فراقانونی قائل شوند و طی حکم حکومتی جلوی فعالیت نمایندگان مجلس را بگیرند و یا خواستار شوند که ملت ایران حق ندارد در رابطه با بعضی از امور سیاسی از جمله رابطه با آمریکا به بحث و گفتگو بپردازد و این مسائل از اختیارات مقام رهبری و " دیپلماسی پنهانی " شان می باشد ؟

۴- آیا مقام های منصوب شده از سوی مقام رهبری باید از اختیارات و حقوقی بیشتری از اختیارات مسئولین نهادهای انتخاب شده از سوی ملت باشند ؟ و یا منصوبین از سوی مقام

رهبری نیز موظفند در چارچوب قانون اساسی عمل کنند و نسبت به عملکردهای خود در مقابل مجلس شورای اسلامی و دولت منتخب مردم پاسخگو باشند؟

۵- آیا " نظارت استصوابی " باید به بخشی از قانون اساسی جمهوری اسلامی تبدیل شود و ۱۲ نفر اعضای شورای نگهبان، افرادی که نه از سوی ملت بلکه ۶ نفر آنها بطور مستقیم منتصب مقام رهبری و ۶ نفر دیگر منتصب رئیس قوه قضائیه - مقامی که همچنین منصوب مقام رهبری هست -، تعیین می شوند، اختیار دارند بجای ملت ایران تعیین و تکلیف کنند که چه کسی حق دارد خود را نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی و یا مجلس خبرگان رهبری بنماید و چه کسی از این حق دمکراتیک و قانونی خود محروم هست؟

و...

سازمان سوسیالیستهای ایران که خواست " نفی هرگونه شکنجه جسمی و روانی و لغو قانون اعدام " بخشی از اصول و اهداف سازمانی اش را تشکیل می دهد، بر این نظر است که آزاد اندیشان و آزادیخواهان ایرانی نه تنها باید علیه حکم اعدام دکتر سید هاشم آقاچری دست به اعتراض زنند، بلکه باید مشترکاً در تحقق این خواست به روشنگری و فعالیت های سیاسی خود ادامه دهند تا آنچنان وضعیت و فضای سیاسی بر ایران حاکم شود که آن وضعیت سبب شود که در ایران هیچ فردی بخاطر نظرات، عقاید و وابستگی گروهی، مسلکی و مذهبی اش تحت پیگرد و سرکوب قرار نگیرد و شکنجه و اعدام گردد.

سازمان سوسیالیستهای ایران خواستار لغو حکم اعدام دکتر سید هاشم آقاچری و آزادی فوری ایشان می باشد. ما همچنین به دستگیری آقایان مهندس عباس عبدی، بهروز گرانبیاه، دکتر حسین قاضیان شدیداً اعتراض داشته و بر این نظریم که اگر ادعای قوه قضائیه جمهوری اسلامی همچون گذشته بر پایه توطئه، اتهام و دروغ پایه گذاری نشده است و در حقیقت این قوه مدارک و اسنادی در اختیار دارد که حکایت بر این امر دارد که این افراد "علیه" منافع ملی و استقلال ایران و بنفع دولت ایالات متحده آمریکا" جاسوسی" کرده اند، خواستار برگزاری دادگاه علنی برای محاکمه آنها هستیم، تا ملت ایران خود بطور زنده شاهد محتوی اسناد و مدارک ارائه شده از سوی دادگاه و دفاعیات " متهمین" باشد.

اما تاریخ عملکرد ۲۴ ساله قوه قضائیه جمهوری اسلامی بیانگر این واقعیت تلخ است که این نهاد در بسیاری از امور بخصوص اموری که مربوط به دگراندیشان و نیروهای مخالف بوده است، برخوردی سیاسی و خصمانه داشته است و نه حقوقی و عادلانه!

از سوی هیئت اجرایی سازمان سوسیالیستهای ایران
دکتر منصور بیات زاده

۲۳ آبانماه ۱۳۸۱

socialistha@ois-iran.com
www.ois-iran.com

